

رود و طناب

همراهی برای «یادگیری فارسی با داستان مولانا» — برای دختر ایران

Jørn André Halseth



سارای عزیز

این نامه همراهی است برای ویدیوی یادگیری فارسی با یک داستان مولانا از سارا — دختر ایران: درسی برای نوآموزان فارسی بر پایه حکایت موش و شتر از مثنوی. سخنان او عیناً از همان درس نقل شده است؛ پایان حکایت، از خود مولانا در دفتر دوم مثنوی است. آیات کتاب مقدس عیناً از ترجمه قدیم فارسی (POV) آورده شده‌اند.

چه درس دل‌نشینی — و چه انتخاب زیرکانه‌ای. شاگردانت گمان می‌کنند تنها واژه می‌آموزند: شتر، موش، گرگ، طناب، رود. اما تو یکی از تیزترین حکایت‌های مثنوی را در میان واژه‌ها پنهان کرده‌ای و آن را درست بر لبه پرتگاه نگه داشته‌ای: همه بر کنار رود ایستاده‌اند و هیچ‌کس را یارای گذشتن نیست.

موش طناب را گرفته است، و چون طناب در پنجه اوست و شتر از پی می‌آید، نتیجه می‌گیرد که این اوست که می‌کشد. به گفته خودت در درس:

من یک پهلوان هستم. من یک پهلوان بزرگ هستم. من یک شتر را می‌کشم.
من یک شتر بزرگ را می‌کشم. پس من یک پهلوان هستم.

Learn Persian through a Rumi Story ,Sara — Daughter of Iran ---

هرگز به ذهن موش نمی‌رسد که شتر تنها همراهی می‌کند. کتاب مقدس برای درست همین حساب و کتاب واژه‌ای دارد — و حتی همان مقوله مولانا را به کار می‌برد: اندازه:

POV 12:3 Romans · زیرا به آن فیضی که به من عطا شده است، هریکی از شما را می‌گویم که فکرهای بلندتر از آنچه شایسته است مکنید بلکه به اعتدال فکرنمایید، به اندازه آن بهره ایمان که خدا به هر کس قسمت فرموده است.

و نیز می‌گوید این لاف به کجا می‌انجامد – یک رود پیش از رسیدن به آن:

Proverbs, 16:18 POV · تکبر پیش رو هلاکت است، و دل مغرور پیش رو خرابی.

آنگاه رود می‌رسد. نبوغ حکایت همین‌جاست: همان آب برای یکی هیچ است و برای دیگری مرگ، و تفاوت در دلیری نیست، در اندازه است. موش می‌ایستد؛ گرگ می‌ایستد. در روایت تو، داستان درست همان‌جا آرام می‌گیرد – و من می‌خواهم بگویم در آن‌سوی این درنگ چه ایستاده است. هر پسر و دختر آدم سرانجام به این کناره می‌رسد. در پایان هر زندگی رودی هست که کنار آن همه پهلوان‌گویی‌های ما خاموش می‌شود. و درست در همین صحنه، خدای اسرائیل وعده‌ای می‌دهد که هیچ حکایتی جرئت خوابش را هم نداشت:

Isaiah, 43:2 POV · چون از آبها بگذری من با تو خواهم بود و چون از نهرها (عبورنمایی) تو را فرو نخواهند گرفت. و چون از میان آتش روی، سوخته نخواهی شد و شعله‌اش تو را نخواهد سوزانید.

خود می‌دانی مولانا حکایت را چگونه به پایان می‌برد: سرانجام شتر به سخن می‌آید – «این آب که تو را غرق می‌کند، برای من تا زانوست. اندازه خود را بدان – و بالا بیا.» طناب‌دار مغرور کوچک نابود نمی‌شود؛ حمل می‌شود. آن نیرومند خم می‌شود و کوچک را بر پشت خود از آب می‌گذراند. مولانا آن را درس فروتنی خواست، و هست. اما آن را کنار این سخنان بخوان – سخنان نیرومندترین کسی که خم شد:

Matthew, 11:28-30 POV · بیاید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید. یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حلیم و افتاده‌دل می‌باشم و در نفوس خود آرامی خواهید یافت؛ زیرا یوغ من خفیف است و بار من سبک.»

این همان پایان حکایت است، این بار با نام راستین‌اش. «خدا با متکبران مقاومت می‌کند و فروتنان را فیض می‌بخشد» – موش فروتن‌شده همان موش حمل‌شده است:

First Peter, 5:5-6 POV · همچنین ای جوانان، مطیع پیران باشید بلکه همه با یکدیگر فروتنی را بر خود ببندید زیرا خدا با متکبران مقاومت می‌کند و فروتنان را فیض می‌بخشد. پس زبردست زورآور خدا فروتنی نماید تا شما را در وقت معین سرافراز نماید.

کسی هست که رود پایان هر زندگی برای او تا زانوست – او از میان آن گذشت و بازآمد، و می‌گذارد که کوچک بر او سوار شود. پیش‌تر نیز یک بار برایت نوشتم، درباره روایت از پادشاه و وزیر: [Return of Call The](#) – ندای بازگشت. و پژوهش آن درد که پشت همه رندهای مولانا است، به هر دو زبان ما رایگان است: [Olam](#) – [عولام](#) به فارسی · [Olam](#) به انگلیسی. درس بده – و بیا و ببین.

How this was made

This is the author's own work. It was composed with [junifye](#) and an AI assistant, drawing its Scripture and original-language work (Greek, Hebrew, cross-references) from [Darash](#) (Hebrew darash, "to seek, inquire, study"), a tool and reference work for the Bible in its original languages.

A gift of support — [Stripe](#)



Scan to read this book online